



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 16

ביאור על הנ"ל

شرح آنچه گذشت



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/16

1 ביאור על הנ"ל

توضیحی درباره آنچه در بالا یاد شد

2 ביאור הדברים על ענין נ"ח משמאל ומזוזה מימין. הנה המצות הן מלמטה למעלה והתורה מלמעלה למטה.

شرح عبارت «چراغ חנוکا در سمت چپ و مزوزا (طوماری حاوی آیات تورات که بر چارچوب در نصب می‌شود؛ מזוזה, mezuzah) در سمت راست». اکنون، فرمان‌ها (מצוות, mitzvos) از پایین به بالا هستند و تورات از بالا به پایین.

وהיחוד שביניהם הוא כמשל העומד למעלה ורוצה להתקרב עם העומד למטה זה עולה בסולם וזה יורד עד שנפגשין זה בזה.

و پیوند میان آن دو مانند این تمثیل است: کسی در بالا ایستاده و می‌خواهد به کسی که در پایین ایستاده نزدیک شود؛ این یکی از نردبان بالا می‌رود و آن دیگری پایین می‌آید، تا آن دو به یکدیگر برسند.

3 וביאור הענין הנה כתיב כל אשר חפץ ה' עשה. וכתב בדבר ה' שמים נעשו.

و توضیح مطلب این است: نوشته شده است: «هرچه ه' خواست، انجام داد»؛ و نیز نوشته شده است: «به کلام ه' آسمان‌ها پدید آمدند.»

והענין שהחומר נברא בדבר ה' והתמונה והציור באיזה אופן שנברא הוא מחפץ ה' מה רבו מעשיך ה' כולם בחכמה עשית.

مطلب این است که ماده به کلام ه' آفریده شد، اما شکل و صورت، به هر صورتی که آفریده شده باشد، از خواست ه' است: «چه بسپارند کارهایت، ه'! همه را با حکمت (חכמה, Chochmah) آفریدی.»

שבחי' החכמה היא בחי' גבורות. דהיינו התחלקות לעשות כל ציור וכל תמונה לכל הפרטים למיניהם.

زیرا مرتبة حכמה، مرتبة قوای محدودکننده (גבורות, Gevuros) است؛ یعنی تقسیم‌کردن، تا هر شکل و صورتی برای همه جزئیات، برحسب انواعشان، پدید آید.

4 ושרש החכמה למעלה הוא בחי' בוצינא דקרדוניתא קו המדה מדוד משחת' [משחתא]. מי מדד בשעלו מים כו'. והגילוי הוא בחכמה דאצי' אור אבא ושם מה רבו מעשיך שרבו מאד פרטיים רבים.

ریشه حکمت (Chochmah, חכמה) در بالا، مرتبه چراغ تاریکی (بוצינא دקרדونیثا, Botzina deKardinusa)، یعنی خط اندازه‌گیری است که اندازه را تعیین می‌کند: «چه کسی آبها را در گودی کف دست خود اندازه گرفت»، و الی آخر. این ظهور در حکمت عالم صدور (אצילות, Atzilus)، یعنی نور پدر (אבא, Abba)، است؛ و آنجا «چه بسیارند کارهای تو» حضور دارد، زیرا آنها بسیارند و جزئیات فراوانی دارند.

אך שהיו כלולים בחכמה וכמשל השכל הגשמי שתופס ומקיף הרבה ענינים בבת אחת וברגע אחת וכדי להוציא מהעלם אל הגילוי צריך לפרט בדבורים רבים ושונים בשעה ושתים.

بااین‌حال، آنها در حکمت گرد آمده بودند؛ چنان‌که در تمثيل عقل جسمانی، که بسیاری از امور را همگی با هم و در یک لحظه درمی‌یابد و دربرمی‌گیرد؛ و برای بیرون آوردن [آنها] از نهان به ظهور، باید آنها را در سخنان بسیار و گوناگون، طی یک یا دو ساعت، به تفصیل بیان کرد.

כך בחכמה כלולים מה רבו מעשיך בכל ציור וכל תמונה ונפרטו בע"מ [בעשרה מאמרות] שנברא העולם. אך המאמרות הן עשרה בלבד כי לא נפרט הכל בדבור רק דרך כלל ולא דרך פרט:

همچنین، در حکمت «چه بسیارند کارهای تو» با هر شکل و هر صورتی دربرگرفته شده‌اند، و در ده گفتاری که جهان با آنها آفریده شد بیان شدند. بااین‌همه، گفتارها فقط ده تا هستند، زیرا همه‌چیز در گفتار به تفصیل بیان نشد، بلکه تنها به صورت کلی و نه جزئی.

5 והטעם כי מה שנפרט בדבור הוא בכדי להיות בחי' יש כי מבחי' חכמה דאצי' לא היה יכול להיות בחי' יש ואפי' [ואפילו] מה שנתלבש בז"א שהוא בחי' הוי"ה הכל נק' בחי' א"ס דאיהו וחיהי חד.

و دلیلش این است که آنچه در گفتار به تفصیل بیان شد، [بدین منظور بود] که مرتبه وجود (יש, yesh) پدید آید؛ زیرا از مرتبه حکمت (Chochmah, حכמה) در عالم صدور (אצילות, Atzilus)، مرتبه وجود نمی‌توانست پدید آید؛ و حتی آنچه در صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) پوشیده شده است، که مرتبه نام چهارحرفی (ה', Havayah) است، همگی مرتبه بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof) خوانده می‌شود؛ زیرا «او و نیروهای حیاتش یکی‌اند».

ולא היה יכול להיות בחי' פירוד רק במל' דאצי' בדבר מלך שלטון. והיינו ע"י כי מל' דאצי' נעשה עתיק דבריא וכו'.

و مرتبة جدایی نمی‌توانست پدید آید، مگر در فرمانروایی (ملכות, Malchus) عالم صدور (אצילות, Atzilus)، از راه «سخن پادشاه [که] فرمان می‌راند». و این از آن روست [که] ملכות اצילות، עתיק (Atik) عالم آفرینش (בריא, Beriah) می‌شود، و غیره.

אך מ"מ בחי' הוי"ה מושל בבחי' מל' להיות בטול היש וכענין וצבא השמים לך משתחווים דהיינו בחי' בטול המלאכים בכלות הנפש.

بااین‌همه، مرتبة Havayah بر مرتبة ملכות فرمان می‌راند تا خودنهی‌گری (ביטול, bittul) وجود مستقل (יש, yesh) تحقق یابد؛ چنان‌که در این عبارت آمده است: «و سپاه آسمان در برابر تو سجد می‌کنند»؛ یعنی مرتبة بیטול فرشتگان، در هنگام پایان یافتن جان.

והשמש והירח משתחווים אפי' [אפילו] בגופם שסובבים והולכים ובטול זה הוא ע"י כל אשר חפץ הוי"ה שבחי' חפץ זה מתלבש בחכמה דאצי' וחכמה דאצי' מתלבשת בחכמה דמל' דאצי' המתלבשת בבי"ע

و خورشید و ماه حتی با جسم‌هایشان سجد می‌کنند، از آن‌رو که پیوسته در گردش‌اند. و این بیטول از راه «هر آنچه هوی خواست» پدید می‌آید؛ زیرا این مرتبة خواست در حکمت (חכמה, Chochmah) اצילות جامه می‌پوشد، و חכמה اצילות در حכמה ملכות اצילות جامه می‌پوشد، و آن در [عوالم] بریאה، صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (עשיה, Asiyah) جامه می‌پوشد،

כי גבוה מעל גבוה שומר. וכל מה שלמטה מקבל ממה שלמעלה הימנו עד رום המעלות.

زیرا «بلندمرتبه‌ای فراتر از بلندمرتبه، او را زیر نظر دارد». و هر آنچه پایین‌تر است، از آنچه بالاتر از آن است دریافت می‌کند، تا برترین بلندی‌ها.

(ואפי' [ואפילו] הפילسوفים מודים בזה רק שאין משיגים רק עשר בחי' התחתונות ח' גלגלים וגלגל היומי.

(و حتی فلاسفه نیز به این امر اذعان دارند؛ جز آن‌که تنها ده مرتبة پایین‌تر را درک می‌کنند: هشت فلک و فلک روزانه.

וע' בפרדס שער ששי ספ"ג [סוף פרק ג'] וכבר הסכימו החוקרים כו' וגלגל השכל העשירי כו' ויותר מזה אין משיגים אבל יכול להיות גם לפי דעתם שיש למעלה מהם ג"כ)

نگاه کنید به پردس (פרدس, Pardes), **שער 6**, پایان فصل 3: «پژوهندگان از پیش توافق کرده‌اند»، و غیره؛ «و فلک دهم، فلک عقل»، و غیره؛ و فراتر از این را درک نمی‌کنند. اما ممکن است، حتی بنا بر دیدگاه خودشان، [چیزی] نیز بالاتر از آنان باشد.

רק העכו"ם [העובדי כוכבים ומזלות] **אומרים מאחר שכבר נשתלשל בעולם אחר העלם בבחי' שם אלקים המצמצם כו' מוכרח להיות נשאר כך**

فقط پرستندگان ستارگان و برج‌های فلکی می‌گویند: از آن‌جا که [همه‌چیز] از پیش، پوشیدگی پس از پوشیدگی، در مرتبه نام **אלקים** که منقبض می‌سازد و غیره، فرود آمده است، ناگزیر باید همین‌گونه بماند.

אבל כי אני ידעתי (אני בחי' מל' וכנ"י [נכנסת ישראל]) כי גדול הוי"ה ששם הוי"ה מושל על כל בחי' אלקים משא"כ פרעה אמר לא ידעתי את הוי"ה שלא ידע רק שם אלקים.

اما «من می‌دانم» (من، مرتبه ملکوت و جماعت اسرائیل است) «که הוי' بزرگ است»، زیرا **הוי'** بر هر مرتبه **אלקים** فرمان می‌راند. درحالی‌که فرعون گفت: «من **הוי'** را نمی‌شناسم»، زیرا تنها نام **אלקים** را می‌شناخت.

ואמר עזב ה' את הארץ (ובאמת לא בדעת ידבר כמ"ש בתניא ח"ב [חלק ב'] שהרי נס של בריאת שמים וארץ גדול מנס של קי"ס [קריעת ים סוף] כו' ע"ש) ולכן אומרים איה אלקיהם.

و گفت: «**ה'** زمین را وانهاده است» (اما در حقیقت، او از روی نادانی سخن می‌گوید، چنان‌که در **תניא** (تניא)، بخش دوم آمده است؛ زیرا معجزه آفرینش آسمان و زمین بزرگ‌تر از معجزه شکافتن دریای سرخ است و غیره؛ بنگرید آنجا). و از همین‌رو می‌گویند: «**אלקים** آنان کجاست؟»

אבל באמת כל אשר חפץ הוי"ה עשה. שזהו ענין יחוד שם הוי"ה עם שם אלקים ויחוד קוב"ה [קודשא בריך הוא] **ושכינתיה שיחוד זה היינו בחי' המשכה שנמשך שם הוי"ה ומשתלב בשם אלקים להיות בטול היש כו'.**

اما در حقیقت، «هر آنچه **הוי'** خواست، انجام داد.» زیرا این همان موضوع یگانگی نام **הוי'** با نام **אלקים** و یگانگی قدوس متبارک (קב"ה / **קודשא בריך הוא**, Kudsha Brich Hu) و حضور الهی (**שכינה**, Shechinah) اوست؛ زیرا این یگانگی عبارت است از مرتبه / جنبه (**בחינה**, bechinah) فرودآوردن، که در آن نام **הוי'** فرود آورده می‌شود و با نام **אלקים** درهم می‌آمیزد، تا خودنهی‌گری (**ביטול**, bittul) **היש** (yesh; [وجود مستقل‌نما]) تحقق یابد، و غیره.

7 והנה בבחי' יחוד זה והמשכה זו יש ב' דרכים. הא' ששם הוי"ה יורד למטה לבחי' אלקים ונק' שילוב הוי"ה באלקים.

אکنون، در این یگانگی و این فرودآوردن، دو راه وجود دارد. راه نخست آن است که نام چهارحرفی (הי، Havayah) به پایین، تا مرتبه نام اלקים (אלקים، Elokim)، فرود می‌آید؛ و این را درهم‌تنیدگی (שילוב، shiluv) הי' در اלקים می‌نامند.

ואזי האל"ף קודם ל"י ששם אלקים מלביש את שם הוי"ה. ושם הוי"ה מלובש בתוכו.

آنگاه حرف الف (א، alef) پیش از حرف یוד (י، yud) می‌آید؛ زیرا نام اלקים نام הוי' را دربر می‌گیرد و نام הוי' درون آن پوشیده است.

והב' ששם אלקים עולה למעלה. ונכלל בשם הוי"ה ואזי הוי"ד קודם לאל"ף כו'

و راه دوم آن است که نام اלקים به بالا صعود کند و در نام הוי' گنجانده شود؛ آنگاه یוד پیش از الف می‌آید و الی آخر.

והנה היתרון והמעלה הוא כששם אלקים עולה למעלה כי כשהשם של הוי"ה יורד לבחי' שם אלקים להתלבש בו הנה הוא ע"י כמה צמצומים להיות התלבשות בבחי' יש אבל כשהשם אלקים עולה ונכלל בבחי' הוי"ה הי"ז [הרי זה] עולה לבחי' אין כו':

اکنون، مزیت و برتری آن‌گاه است که نام اלקים به بالا صعود کند. زیرا هنگامی که نام הוי' به پایین، تا مرتبه نام اלקים، فرود می‌آید تا در آن پوشیده شود، این کار از راه انقباض‌های بسیار (צמצומים، tzimtzumim) صورت می‌گیرد تا پوشیده‌شدن در مرتبه وجود (יש، yesh) امکان‌پذیر شود؛ اما هنگامی که نام اלקים بالا می‌رود و در مرتبه هוי' گنجانده می‌شود، بدین‌سان به مرتبه عدم (אין، ayin) صعود می‌کند و الی آخر.

8 והנה נר מצוה הוא בחי' העלאה. ותורה אור הוא בחי' המשכה וביאור הענין הוא בהקדים להבין ענין האותיות.

اکنون، «فرمان (מצוה، mitzvah) چراغ است» مرتبه صعود است، و «تورات نور است» مرتبه فرودآوردن. شرح مطلب با فهمیدن نخست ماهیت حروف آغاز می‌شود.

وهוא כי האותיות היוצאות בה' מוצאות הפה. אחה"ע מן הגרון כו'. אין המוצאות עושים ומפעילים את האותיות כמו כנור המנגן שמוציא הקול ע"י האדם המנגן שאז נולד ונתהוה הקול ונגון.

مقصود این است که درباره حروفی که از پنج مخرج دهان بیرون می‌آیند - حروف א، ה، ח، ע (alef, ches, hei, ayin) از گلو و غیره - مخرج‌ها حروف را نمی‌سازند و پدید نمی‌آورند؛ چنان‌که سازی چون چنگ، هنگام نواخته‌شدن، به‌واسطه نوازنده صدا را بیرون می‌آورد و در آن هنگام صدا و نغمه زاده می‌شوند و پدید می‌آیند.

אבל האותיות שבה' מוצאות הפה אינו כן אלא שהאותיות כבר היו בנפש שכל נפש מליאה אותיות ובבואם לה' מוצאות הפה הם המניעים את המוצאות ולא מתנועים ע"י המוצאות.

اما حروف پنج مخرج دهان چنین نیستند؛ بلکه حروف از پیش در نفس وجود داشته‌اند، زیرا هر نفسی آکنده از حروف است. هنگامی که به پنج مخرج دهان می‌رسند، این حروف‌اند که مخرج‌ها را به حرکت درمی‌آورند، نه آنکه مخرج‌ها آن‌ها را به حرکت درآورند.

9 והנה יש כמה בחי' אותיות. אותיות [אותיות] המחשבה ואותיות [ואותיות] הדבור. אותיות המחשבה בבינה ואותיות הדיבור במל'

اکنون، حروف چند مرتبه دارند: حروف اندیشه و حروف گفتار. حروف اندیشه در فهم (בינה, Binah) هستند و حروف گفتار در فرمانروایی (ملכות, Malchus).

ובחי' דבור שלמעל' [שלמעלה] הוא בבחי' המחשבה למטה שהוא דבור המלאכי' [המלאכים] וקרא זא"ז [זה אל זה / זה את זה] וגבוה מעל גבוה שמקבלי' [שמקבלים] דין מן דין עד רום המעלות מה שלמטה הוא בבחי' מחשבה נק' לגבי שלמעלה בחי' דבור ובחי' מחשבה שלמעלה יותר נעלמה.

و مرتبه گفتار عالم بالاتر، در مرتبه اندیشه عالم پایین‌تر است؛ و آن، گفتار فرشتگان است، که «یکی دیگری را فراخواند» و «بلندپایه‌ای فراتر از بلندپایه‌ای است»، زیرا یکی از دیگری دریافت می‌کند، تا بالاترین مراتب. آنچه در مرتبه اندیشه پایین‌تر است، در نسبت با عالم بالاتر، مرتبه گفتار نامیده می‌شود؛ و مرتبه اندیشه عالم بالاتر، پنهان‌تر است.

10 והנה שרש גלוי האותיות הוא בחכמה ויהי האדם לנפש חיה. בחי' חיה היא בחכמה.

اکنون، ریشه آشکارشدن حروف در حکمت (חכמה, Chochmah) است: «و انسان نفسی زنده (نפש حיה, nefesh chayah) شد»؛ مرتبه حیاتِ نفس (حיה, Chayah) در حکמה است.

אך אין זה רק בבחי' גלוי אבל שרשם הנעלם הוא למעלה מעלה בבחי' כתר כמ"ש בזוהר אינון כתרין עילאין כו' ונחתא כ"ף מעל כורסייא דיקריה כו'

اما این تنها در مرتبه آشکارشدن است؛ حال آن‌که ریشه پنهان آنها بسیار، بسیار بالاتر، در مرتبه تاج (כתר, Keser) است؛ چنان‌که در זוهر (זהר) آمده است: «آنها تاج‌های برین‌اند» و جز این، و «حرف کاف (כ"ף, kaf) از فراز تخت جلال او فرود آمد» و جز این.

כי מהות האותיות אינן בחי' שכל רק הם למעלה מן השכל שא"א להשיג בשכל מהות האותיות ומוצאן במבטא אב"ג שהם יוצאות מכלי השכל. רק עיקרם נלקחים מבחי' שלמעלה מהשכל

זיכרון מופת חروف מרובת עץ נישט; בלכ אנהא פראטר אז עץ אנד, צון עץ נמי טונד מאהיט חروف ו סרץשמה אנהא רא דר תלפז
 الف, بت, גימל (אב"ג, alef, beis, gimmel) דריאבד; חרופי که از ظرفهای عقل صادر می‌شوند. بلکه اصلي آنها از مرتبه‌ای
 گرفته شده است که فراتر از عقل است.

והן נעשות בחי' לבוש להשכל להשכיל כל דבר בכל לשון מע' לשון.

و آنها برای عقل به منزله جامه می‌شوند، تا هر مطلبی را به هر یک از هفتاد زبان بفهمد.

**שכל דבר שכל אינו נתפס אלא באותיות אבל אין האותיות מהות השכל ועצמותו אלא בחי' לבוש
 כנודע שהשכל מתלבש לפעמים באותיות אלו.**

زیرا هر مطلب عقلی تنها در حروف دریافت می‌شود؛ اما حروف ماهیت عقل و خود آن نیستند، بلکه مرتبه جامه آن‌اند؛ چنان‌که
 معلوم است که عقل گاه در این حروف جامه می‌پوشد.

11 ולפעמים באותיות אלו. כמו דבור התוספות והר"ן [והרבינו נסים] שמלבישים כל א' השכל באותיות אחרים

ונלקחים מלמעלה מן השכל רק שאין מתגלים אלא בשכל.

و گاه در آن حروف، مانند بیان توسافوس (توسפות, Tosafos) و رن (הר"ן, Ran)، که هر یک عقل را در حروفی دیگر
 می‌پوشانند. و [این حروف] از ورای عقل گرفته می‌شوند، جز آنکه فقط در عقل آشکار می‌گردند.

והמשל בזה כח ההולדה שבמוח שנתהווה באדם אחרי היותו בן י"ג או ט' (סנהדרין רפ"ח)

و نمونه این مطلب، نیروی تولیدمثل است که در مغز قرار دارد و در انسان پس از آنکه سیزده‌ساله یا نه‌ساله شود پدید می‌آید
 (سנהدرین، آغاز فصل هشتم).

**ואף שכבר הי' [היה] לו מוחין בשלימות מ"מ כח ההולדה לא נגמר עד היותו בן י"ג או ט' וגמר כח זה
 תלוי במאכל אשר יאכל.**

و با آنکه قوای عقلانی‌اش (מוחין, mochin) از پیش کامل بود، با این‌همه نیروی تولیدمثل تا سیزده‌ساله یا نه‌ساله شدنش کامل
 نمی‌شد؛ و کامل شدن این نیرو به غذایی بستگی دارد که می‌خورد.

וכנודע ממה שאין מאכילין את הכה"ג [הכהן גדול] בעיוה"כ [בערב יום הכפורים] דברים שמרבי' הזרע. שיש מאכלים מרבים הזרע. ויש מאכלים ממעיטים.

چنان که از [حکم] شناخته شده ای برمی آید که در آستانه یوم کپیور، خوراکی هایی را که نطفه را افزایش می دهند به کاهن اعظم نمی خوراند؛ زیرا برخی خوراکی ها نطفه را افزایش می دهند و برخی آن را کاهش می دهند.

12 והנה במאכלים ההם עצמן אין בהם כח ההולדה רק כשבאים להמות. והמות מתחזק על ידם אזי נתהוה ונגמר כח ההולדה.

اکنون، در خود آن خوراکی ها نیروی تولیدمثل وجود ندارد؛ تنها هنگامی که به مغز می رسند و مغز به واسطه آن ها نیرومند می شود، نیروی تولیدمثل پدید می آید و کامل می گردد.

כך האותיות' [האותיות] באים מלמעלה מהשכל שאינו נתפס באותיות כלל. ומ"מ כשבאים לבחי' השכל נעשה גילוי השכל ע"י אותיות.

همین طور، حروف از فراز عقل می آیند، [از مرتبه ای] که اصلاً با حروف دریافت نمی شود؛ و با این حال، هنگامی که به مرتبه عقل می رسند، آشکارشدن عقل به واسطه حروف صورت می گیرد.

13 ולכן אמרו על מט"ט [מטטרון] שקושר כתר' [כתרים / כתרין] לקונו מתפלתיהם של ישראל. והענין כי אותיות התפלה עולות למעלה ע"י המלאכים כנודע שכמה מלאכים ממונים בכל היכל לקבל התפלות. ואיתא בזוהר שהמלאך נשיק לה.

از این رو درباره متاترون (Metatron, מט"ט) گفته اند که از دعا های اسرائیل برای آفریننده اش تاج هایی می بندد. مقصود این است که حروف دعا به واسطه فرشتگان به بالا صعود می کنند؛ چنان که معروف است، در هر تالار آسمانی (היכל, heichal) چندین فرشته مأمورند تا دعا ها را دریافت کنند. و در زوهار (זהר, the Zohar) آمده است که فرشته آن را می بوسد.

14 וביאור ענין זה הוא כמו הנושק עד"מ מכניס רוחו והבלו בדבר שנושק.

توضیح این موضوع چنین است: مانند کسی که می بوسد؛ به عنوان تمثیل، نَفَس و بخار خود را در چیزی که می بوسد وارد می کند.

כך המלאך מכניס רוחו והבלו באותיות התפלה להעלותם מבחי' דבור האדם לבחי' דבור המלאכי'

[המלאכים] **שהיא בחי' מחשב' שלמט'** [שלמטה]

המין-گونه، فرشته نَفَس و بخار خود را در حروف دعا وارد می‌کند تا آن‌ها را از مرتبة گفتار انسان به مرتبة گفتار فرشتگان بالا ببرد؛ گفتاری که مرتبة اندیشه‌ای است که در مرتبة پایین‌تر قرار دارد.

و כך עולה התפלה למעלי' [למעלה / למעלה] מעולם ועד עולם. עד עולם העליון שם הוא מט"ט [מטטרון]

שעושה בחי' כתר זה. פי' שמעלה האותיות' [האותיות] עד מקורן ושרשן שהוא בכתר.

و بدین‌سان دعا به بالا، از عالمی به عالم دیگر، تا عالی‌ترین عالم صعود می‌کند؛ در آنجا **مט"ט** (Metatron) است که این مرتبة تاج را می‌سازد. یعنی حروف را تا سرچشمه و ریشه‌شان بالا می‌برد؛ سرچشمه و ریشه‌ای که در تاج (כתר, Keser) است.

15 והיינו כדי להמשיך אותיות כי התפלה היא יהי רצון שיהי' [שיהיה] המשכת רצון אחר מבתחלה שנמשך

בחי' [בחכמה] וחכמה היא בחי' דין.

و این برای آن است که حروفی به پایین فروفرستاده شوند؛ زیرا دعا عبارت است از «ارادة [تو] چنین باشد»؛ یعنی اراده‌ای جز [اراده‌ای که در آغاز بود] فروفرستاده شود؛ همان اراده‌ای که نخست به حکمت (חכמה, Chochmah) کشیده شد، و حکمت مرتبة داوری است.

וכן התורה דמחכ' [דמחכמה] נפקת מימינו אש דת למو שהיא בחי' אש וגבורות וע"פ התורה אין יסורים

בלא עון. אבל בכתר שם הם רחמים פשוטים ונושא עון כו' ומשם נמשך אותיות חדשות כו':

همچنین تورات، که «از **חכמה** بیرون می‌آید»: «از دست راست او، قانونی آتشین برای آنان»؛ این مرتبة آتش و قید و سخت‌گیری‌ها (גבורות, Gevuros) است؛ و بر وفق تورات، رنجی بدون گناه نیست. اما در تاج (כתר, Keser)، رحمت محض است، و «او بار گناه را بر دوش می‌کشد» و غیره؛ و از آنجا حروف تازه به پایین فروفرستاده می‌شوند و غیره.

16 והנה ככל הענין הזה באותיות כך הוא בבחי' המצות כי נר מצוה. והענין שאין אור הנר מאיר אלא

כשיש אויר סביב האור משא"כ כשאין שם אויר יכבה ולא יאיר כלל

اکنون، همان‌گونه که تمام این موضوع درباره حروف چنین است، درباره مرتبة فرمان‌ها (מצוות, mitzvot) نیز چنین است؛ زیرا «فرمانی (מצוה, mitzvah) چراغ است». مقصود این است که نور چراغ تنها هنگامی می‌تابد که پیرامون نور هوا باشد؛ اما وقتی هوایی در آنجا نباشد، خاموش می‌شود و اصلاً نمی‌تابد.

وهנה האויר הוא בבחי' אותיות. כי הרי רואין שיסוד האויר הוא תחת יסוד האש.

اکنون، هوا در مرتبة حروف است؛ زیرا می‌بینیم که عنصر هوا پایین‌تر از عنصر آتش قرار دارد.

17 ואעפ"כ [ואף על פי כן] **הרי יש בו דקות הרבה מיסוד האש. והטעם כי האויר אע"פ** [אף על פי] **שהוא למטה מיסוד האש. מ"מ שרשו הוא למעלה.**

و بالاین همه، در آن لطافت بسیار بیشتری هست تا [در] عنصر آتش. دلیلش این است که هرچند هوا از عنصر آتش فروتر است، بالاین حال ریشه‌اش برتر است.

וביאור הדבר כי הנה יעקב אמר מה נורא. ולכן מה שאומרים הגדול הגבור והנורא. נורא הוא מדתו של יעקב.

شرح مطلب این است که یعقوب (יעקب) گفت: «چه هیبت‌انگیز است!» از این رو، وقتی می‌گوییم «بزرگ، نیرومند و هیبت‌انگیز»، «هیبت‌انگیز» صفتِ یعقوب است.

18 ולכאורה לא שייך בחי' נורא لיעקב כ"א לפחד יצחק. אלא לפי שיעקב היה הממוצע בין האבות.

در نگاه نخست، مرتبۀ «هیبت‌انگیز» به یعقوب (יעקب) مربوط نمی‌شود، بلکه تنها به «هراس اسحاق» (יצחק) مربوط است. اما [چنین است]، زیرا یعقوب میانِ پدرانِ قوم واسطه بود.

ونודע שא"א שיחברו ב' הפכים עד שיערה روح מלמעלה משניהם. כענין עושה שלום במרומיו כו'.

و معلوم است که محال است دو امر متضاد با یکدیگر پیوند یابند، مگر آن‌که روحی از فرازِ هر دوی آن‌ها بر آنان فرو ریزد؛ چنان‌که در عبارتِ «او در بلندی‌های خود صلح برقرار می‌کند» و مانند آن آمده است.

19 ולכן מאחר שיעקב היה המחבר לכך היה בו גילוי בחי' נורא שהוא למעלה משניהם. וכך הוא בבחי' אויר שהדקות הוא לפי שהוא בחי' ממוצע שהוא בקו האמצעי חח"ן [חכמה חסד נצח] **מימין. ובג"ה** [ובינה] **משמאל.**

بنابراین، از آنجا که یعقوب (יעקب) پیونددهندۀ [آن دو] بود، تجلّی مرتبۀ «هیبت‌انگیز» در او بود؛ مرتبه‌ای که از هر دو برتر است. همین‌طور است در مرتبۀ هوا: لطافتِ آن از این روست که مرتبۀ واسطه است و در خطِ میانی قرار دارد؛ حکمت (Chochmah)، مهر (חסד، Chesed) و پیروزی (נצח، Netzach) در سمت راست، و فهم (בינה، Binah)، قید و سخت‌گیری (גבורה، Gevurah) و شکوه (הוד، Hod) در سمت چپ،

20 וכדת"י [וכדעת תפארת יסוד] באמצע הוא בחי' אויר שהוא בחי' ז"א שהוא בקו הממוצע בחי' [ת"ת] [תפארת]

ולכן נק' אויר אור יו"ד.

و تاج (כתר, Keser), شناخت (דעת, Daas), زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes) و بنیاد (יסוד, Yesod) در میانه‌اند - این مرتبه هوا (اویر, avir) است؛ همان مرتبه صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin), که در خط میانی قرار دارد، یعنی مرتبه [تفארת]. از این رو، اویر (avir, هوا) «نور» (اور, or) خوانده می‌شود، [با افزودن] حرف یود (יו"ד, yud).

שהיו"ד הוא בחי' העלם של האור שמוריד וממשיך להיות האור מאיר. כמו האותיות שהן בבחי' ההעלם.

زیرا حرف یود مرتبه نهانگی نور است؛ نهانگی‌ای که نور را فرود می‌آورد و امتداد می‌بخشد تا نور بتابد - همانند حروف که در مرتبه نهانگی‌اند.

21 ובהן ועל ידן נתפס השכל ובא לידי גילוי כי א"א לכל שכל בלי אותיות כנ"ל.

و در آن‌ها و به واسطه آن‌ها، عقل درک می‌شود و به ظهور می‌آید؛ زیرا هیچ اندیشه‌ای بدون حروف ممکن نیست، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

כך האויר שהוא בבחי' העלם בו ועל ידו נתפס האור להאיר לבא לידי גילוי.

به همین‌سان، هوا که در مرتبه پنهانی است: در آن و به واسطه آن، نور درک می‌شود تا بتابد [و] به ظهور آید.

וזהו כי נר מצוה ותורה אור. שע"י נר מצוה נעשה התורה אור כי המצות עולות עד הכתר ששם שרש המצות תר"ך עמודי אור עמוד שמחבר מעלה למטה.

و این است [معنای] «زیرا یک فرمان دینی (מצוה, mitzvah) چراغ است و تورات نور»: زیرا به واسطه «یک فرمان دینی چراغ است»، تورات نور می‌شود؛ چراکه فرمان‌های دینی (מצוות, mitzvos) تا تاج (כתר, Keser) عروج می‌کنند؛ جایی که ریشه فرمان‌های دینی قرار دارد: ششصد و بیست ستون نور؛ ستونی که بالا را به پایین پیوند می‌دهد.

22 וכענין יעקב חבל נחלתו כשמתנועע החבל למטה כו'. וכך ע"י המצות שהן במל' עולות בכתר ונמשך משם בחי' אותיות חדשים דהיינו תוס' [תוספת] אור להיות אור התורה מאיר. כי הנה התורה נקראת משל הקדמוני.

چنانکه در مضمون «يعقوب (יעקב) ريسمان ميراث اوست» آمده است: وقتی ريسمان از پايين به حرکت درمی آید، و الی آخر. همچنين، به واسطه فرمانها (מצוות, mitzvos)، که در فرمانروایی (ملכות, Malchus) هستند [و] به تاج (כתר, Keser) صعود می کنند، مرتبه ای از حروف تازه از آنجا به پايين کشانده می شود؛ یعنی نوری افزوده، تا نور تورات بتابد. زیرا تورات «مَثَلِ ذاتِ قدیم» نامیده می شود.

23 וענין המשל הוא כמ"ש וידבר שלשת אלפים משל. כי הנה חכמת שלמה היא חכמה תתאה שהיא בחי' מל' דאצי'.

و معنای مَثَل همان است که نوشته شده: «و سه هزار مَثَل گفت». زیرا حکمت سلیمان (שלמה)، حکمت فروتر (חכמה, Chochmah) است که مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus) در عالم صدور (אצילות, Atzilus) است؛

והיינו בחי' מל' המאירה בבי"ע כי מל' דאצי' עצמה היא רוח"ק [רוח הקודש] ונו"ה [ונצח והוד] דאצי' היא בחי' נבואה ובאצילות איהו וחיוהי חד.

یعنی مرتبه ملכות هنگامی که در [عالم] عالم آفرینش (برיאה, Beriah)، عالم صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (عשיה, Asiyah) می تابد. زیرا خود ملכות در اצילות، روح הקודש (רוח הקודש, ruach hakodesh) است؛ و پیروزی (נצח, Netzach) و شکوه (הוד, Hod) در اצילות مرتبه نبوت اند؛ و در اצילות، «او و نیروهای حیاتش یکی هستند».

ולכן יש ס"ר פירושים על כל פסוק מד"ת [מדברי תורה] ונבואה. וגם משלי ושה"ש [ושיר השירים] שאמר שלמה ברוה"ק [ברוח הקודש] הן במל' דאצילות עצמה למעלה מחכמת שלמה

ازاین رو، برای هر آیه از سخنان تورات و نبوت ششصد هزار تفسیر وجود دارد. همچنین کتاب امثال و غزل غزلها، که سلیمان با روح הקודש گفت، در خود فرمانروایی اצילות قرار دارند، که فراتر از حکمت سلیمان است؛

אבל מה שנתן חכמה לשלמה היא בחי' חכמה תתאה דבריאה ובחכמה זו דיבר על כל דבר מד"ת [מדברי תורה] שלשת אלפים משל

اما آنچه [ה'] به سلیمان به عنوان حکمت داد، مرتبه حکمت فروتر در عالم آفرینش است؛ و او با این حکمت درباره هر موضوعی از سخنان تورات سه هزار مَثَل گفت،

דהיינו רוחניות שבד"ת [שבדברי תורה] מכל הג' עולמות ב"ע (שכל מה שיש למטה יש למעלה כנודע מאתרוג שלמטה שמעורר למעלה שדוקא אתרוג ולא תפוח.

یعنی معنویت نهفته در سخنانِ تورات، از هر سه عالم **برיאاه**، **יצירה** و **עשיה** (زیرا هرچه در پایین هست، در بالا نیز هست؛ چنانکه از اِتروگ (**אתרוג**, esrog) [نوعی بالنگ] در پایین دانسته می‌شود که در بالا برمی‌انگیزد؛ و آن‌جا مشخصاً اِتروگ است، نه سیب.

ולקרב אל השכל הוא כמו דבר גשמי המצוייר בדמיון האדם. אך דמיון מחשבת האדם אינה פועלת כלום. אבל למעלה כי לא מחשבותי כו' (

و برای نزدیک کردن [این مطلب] به فهم، این مانند چیزی جسمانی است که در خیالِ انسان نقش می‌بندد؛ با این تفاوت که خیال‌پردازیِ انسان هیچ اثری پدید نمی‌آورد، اما در بالا، «زیرا اندیشه‌های من [اندیشه‌های شما] نیستند»، و الی آخر.)

שהשיג ממדרגה התחתונה דעשיה עד מדרגה הראשונה שבבריאה. וכל עולם יש בו י"ס [י' ספירות] וי' כלול מ"י עד אלף וזהו שלשת אלפים.

[این] چیزی است که او دریافت کرد: از پایین‌ترین مرتبهٔ **עשיה** تا نخستین مرتبهٔ **בריאاه**. هر عالم ده مرتبهٔ تجلی (سפירות) دارد، و [هر] ده‌تایی از ده‌تایی تشکیل می‌شود تا به هزار برسد؛ و این همان سه هزار است.

אבל באצ"י דאיהו וחיוהי חד לא השיג. אבל באמת גם התורה דאצ"י היא בחי' משל לגבי המאציל העליון ב"ה.

اما در **אצילות**، جایی که «او و نیروهای حیاتش یکی هستند»، او دریافت نکرد. بااین‌همه، در حقیقت، حتی توراتِ **אצילות** نیز در نسبت با مُفیض برتر، متبارک باد او، مرتبهٔ מַל است.

דאוריית' [דאורייתא] מתקשרא בקוב"ה [בקודשא בריך הוא] כמו דישראל מתקשראן באוריית' שאין להם ערך לגבי התורה אלא דמתקשראן בה.

زیرا «تورا به قدوس متبارک (קב"ה / **קודשא בריך הוא**, Kudsha Brich Hu) پیوند دارد»، همان‌گونه که «اسرائیل به تورا پیوند دارند»؛ زیرا آنان با تورا هم‌سنگی ندارند، جز اینکه به آن پیوند دارند.

24 וכך התורה מתקשרת בקוב"ה [בקודשא בריך הוא] כו'. וכדי שיומשך ויתפשט אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה

המציל בהתורה הוא ע"י נר מצוה שהיא בחי' אוי"ר [אור] אור י'

המגנין תורות בה קדושים מתבאר (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) پیوند دارد، و الی آخر. و برای آنکه نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبארک باد، که فیض‌بخش است، به تورات فروآورده و در آن گسترش یابد، این امر از طریق «یک فرمان دینی (מצוה, mitzvah) چراغ است» صورت می‌گیرد؛ این مرتبه هوا (אוי"ר, avir)، یا نور (אור, Or) [با یک] یود (י, yud) است.

שהמצות הן בחי' העלאה כמו קרבנות שנעשו מן הבהמות להיות אשה ריח ניחוח.

زیرا فرمان‌های دینی (מצוות, mitzvos) مرتبه عروج‌اند؛ مانند قربانی‌هایی که از حیوانات فراهم می‌شدند تا «قربانی آتش، رایحه‌ای پسندیده» شوند.

וכן תפלין של קלף מעור הבהמות. וציצית של צמר. והרי זו בחי' העלאה מדבר גשמי להיות התכללות

ברוחניות אק"ב [אשר קדשנו במצותיו]

همچنین تفیلین، که بر پوست آماده‌شده از پوست حیوانات نوشته می‌شوند، و رشته‌های پشمی (ציצית, tzitzis). این مرتبه عروج از چیزی مادی است، تا در معنویت «که ما را با فرمان‌های خود مقدس ساخته است» ادغام شود.

(وگם הם המשכות אך מפני שנעשות ע"י מעשה האדם בפו"מ [בפועל ממש] הרי הן העלאות שהאדם

מעלה ומקשר אותן לאוא"ס [לאור אין סוף] הנמשך בתוכן משא"כ התורה היא המשכה לבדה קורא בתורה

שקורא וממשיך מה שכבר היה כאדם הקורא לחברו כו')

(آن‌ها همچنین فروآوردن‌هایی هستند؛ اما چون به واسطه عمل انسان، در کردار واقعی، انجام می‌شوند، عروج به‌شمار می‌آیند؛ عروج‌هایی که انسان آن‌ها را برمی‌کشد و به نور بی‌پایانی پیوند می‌دهد که درونشان فروآورده می‌شود. اما تورات، به‌تنهایی، فروآوردن است: کسی که تورات را می‌خواند، آنچه را از پیش وجود داشته فرا می‌خواند و فرو می‌آورد؛ مانند کسی که دوستش را صدا می‌زند، و الی آخر.)

וע"י העלאה זו נעשה המשכת התורה. וזהו יהא שמו הגדול מבורך כי יש שם הוי"ה בחי' מלי'

و از طریق این عروج، فروآوردن تورات تحقق می‌یابد. این [معنای] «باشد که نام بزرگش متبارک باشد» است؛ زیرا نام Havayah، مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus) است.

כי הוי"ה הוא ז"א ושמו של הוי"ה דהיינו הגילוי הוא במל' ושם הגדול הוא בכתר (ופעם אמרו בזוהר דהיינו בבינה והכל א' כי התגלות עתיק בבינה) דהיינו מל' דא"ק [דאדם קדמון]

זי"א Havayah صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) است، و «نام» آن، یعنی تجلی‌اش، در فرمانروایی است؛ و نام بزرگ در تاج (כתר, Keser) است (و یکبار در زوهار (זהר) آمده است که [آن] در فهم (בינה, Binah) است؛ و همه یکی است، زیرا تجلی عתיק (Atik) در فهم است)، یعنی فرمانروایی انسان نخستین (آדם קדמון, Adam Kadmon).

ולכן אומרים מדרך לעלם בלשון יחיד שהוא עולם האצ"י שהוא רה"י [רשות היחיד] דאיהו וחיוהי חד לפי ששם הגדול הוא למעלה מהאצילות ונמשך באצ"י

ازاین‌رو «متبارک باد لعالام (برای جهان)» را به صورت مفرد می‌گوییم؛ مقصود عالم صدور است، که قلمرو یگانه (رשות היחיד, reshus hayachid) است، زیرا «او و نیروهای حیات‌بخشش یکی‌اند»؛ چراکه نام بزرگ فراتر از عالم صدور است و به درون آن فروآورده می‌شود.

וזهو הקב"ה מנענע בראשו. פי' בבחי' כתר שמנענע וממשיך למטה אך דוקא באיש"ר [באמן יהא שמיה רבא] داגדתא כי אגדה היא בחי' חכמה שרוב סודות התורה גנוזין בה כמ"ש האריז"ל [האר"י זכרוננו לברכה].

و این [معنای] «قدوس متبارک سرش را می‌جنباند» است: یعنی در مرتبه تاج، که آن را به حرکت درمی‌آورد و به پایین فرو می‌کشد. اما این [امر] به‌طور خاص در پاسخ «آمین، نام بزرگش متبارک باد» در تعالیم روایی حکما (אגדה, Aggadah) رخ می‌دهد؛ زیرا آگادا مرتبه حکمت (חכמה, Chochmah) است که بیشتر رازهای تورات در آن نهفته‌اند، چنان‌که آریزال (האריז"ל) نوشته است.

25 ואיש"ר [ואמן יהא שמיה רבא] אומרים בצבור שאז דוקא מנענע בכל בחי' ראשו משא"כ אחד העוסק בתורה אע"פ [אף על פי] שהקב"ה קורא ושונה כנגדו מ"מ אין המשכה זו רק בחלק נפשו אבל בצבור ממשיכים בחי' כללות כו'.

و «آمین، یهی شیמי רבاً» را در جماعت می‌گویند، زیرا تنها آن‌گاه است که او هر یک از جنبه‌های سر خویش را به حرکت درمی‌آورد. اما فردی که به تورا اشتغال دارد—هرچند הקב"ה در برابر او می‌خواند و می‌آموزد—باین‌همه، این فرودآوری فقط به بخشی از جان او می‌رسد؛ اما در جماعت، مرتبه کلیت (כללות, klalus) را فرومی‌کشند، و غیره.

26 ובזה יובן ענין נ"ח משמאל ומזוזה מימין. מזוזה הוא בחי' המצות שהמזוזה היא בחי' העלא' [העלאת / העלאה].

با این بیان، معنای «چراغِ חنوکا در چپ و مزوزه [طوماری از تورات که بر چارچوب در نصب می‌شود] (مزوזה, mezuzah) در راست» روشن می‌شود. مزوזה مرتبهٔ فرامین (מצות, mitzvot) است، زیرا مزوזה مرتبهٔ صعود است.

שבית האדם וכל מה שבתוכו בטל לה' אחד שכותבין במזוזה אחד ואהבת. כי בכל לבבך הוא בחי' התפלה בלב.

زیرا خانهٔ انسان و هرآنچه در آن است، در برابر ه' [که] یگانه است، در حالتِ خودنهی‌گری قرار دارد؛ چراکه در مزوזה «یگانه» [و] «دوست بدار» را می‌نویسیم. زیرا «با تمام دل خود» مرتبهٔ دعا در قلب است.

27 ובכל נפשך היא בחי' התורה לקשר מחשבה במחשבה ודבור בדבור. ودברי אשר שמתי בפוך. ובכל מאדך היא המזוזה שהיא בסוף ביתו עם כל הרכוש שבתוכו.

«با تمامی جانت» مرتبهٔ تورات (تורה, Torah) است: اندیشه را با اندیشه و گفتار را با گفتار پیوند می‌دهد؛ و نیز «سخنانی که من در دهانت نهاده‌ام». «با تمامی توانت» مزوزه، یعنی طومارِ مزوزه (مزوזה, mezuzah)، است که در انتهای خانه‌اش قرار دارد، همراه با همهٔ دارایی‌هایی که در آن است.

ועי"ז נ"ח משמאל היא תורה אור שהיונים רצו להשכיחם תורתך ותקנו להניחה על פתח הבית מבחוץ לר"ה [لראש השנה].

و از این راه [پدید می‌آید] چراغِ حنوکا در سمت چپ، که همان «تورات نور است»؛ زیرا یونانیان کوشیدند «تورات تو را از یادشان ببرند»، و [حکیمان] مقرر کردند که آن را در ورودی خانه، از بیرون و رو به فضای عمومی قرار دهند.

כי המל' נק' פתח הבית שמשמש כניסה ויציאה וכך כתיב בזאת יבא אהרן אל הקדש כו'. וביציאתה לבי"ע הנה מל' בכל משלה.

زیرا فرمانروایی (ملכות, Malchus) «ورودی خانه» نامیده می‌شود؛ ورودی‌ای که رفت‌وآمد از آن صورت می‌گیرد. از همین رو نوشته شده است: «با این هارون (אהרן, Aharon) به حرم مقدس وارد می‌شود»، و غیره. و هنگامی که آن به عالمِ آفرینش (בריאה, Beriah)، عالمِ صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالمِ عمل (عשיה, Asiyah) بیرون می‌رود، «فرمانروایی‌اش بر همه فرمان می‌راند».

**וצריך להמשיך גם שם בטורי דפרודא. על הרי בתר בחי' אור התורה והיא משמאל בחי' גבורות וזה
היה בזמן בית שני כו':**

و لازم است که نور را حتی در آنجا، در «کوه‌های جدایی» – «بر کوه‌های پتر» (Bethor, בתר) – نیز فرود آورند: مرتبة نور
تורה. این در سمت چپ است، در مرتبة قید و سخت‌گیری (Gevuros, גבורות)؛ و این در زمان معبد دوم بود، و غیره.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/16/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک